

عزالدین حسین بن عبدالصمد — عاملی،  
عزالدین حسین بن عبدالصمد

### عزرائیل — ملک الموت

عزالت، به مفهوم گوشه گیری و پرهیز از معاشرت. و از مفردات مشترک در اخلاق و عرفان. عزالت در اخلاق مبتنی بر کناره گیری نیکو از انسانها است و شرط تحقق آن انس با خدا با عالم بالا است که در این حال علیرغم ارتباط با مردم از آنها دور است. کسی که به مقام انس رسیده دوستی خلوت و عزالت و دوری از مردم بر دلش غالب می گردد زیرا مصاحبت و آمیزش با دیگران، دلش را از توجه تام به خدا مشغول می کند. برخی از حکیمان، عزالت و گوشه گیری را بر مصاحبت با مردم ترجیح داده اند و برخی آمد و شد با مردم را از گوشه گیری افضل دانسته اند. گروه اول به آنچه که در ستایش و فواید عزالت وارد شده نظر کرده اند مانند این حدیث رسول اکرم (ص): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوْفَى الْخَفِيَّ» = خداوند بنده پرهیزکار پنهان را دوست دارد». و به کسی که از آن حضرت راه نجات پرسید، فرمود «در خانه خود بنشین و دین خود را نگاهدار و برگناه خود گریه کن». و این حدیث از امام صادق (ع) است: «زمانه تباه گشت و برادران دگرگون شدند و تنهایی و انفراد برای آرامش خاطر و اطمینان قلب بهتر است». این حکیمان فواید بسیاری برای عزالت بیان کرده اند: مانند فراغت برای عبادت، ذکر، انس به مناجات با خداوند، اشتغال به کشف اسرار الهی در ملکوت آسمانها و زمین و رهایی از گناهایی که انسان غالباً به سبب آمیزش با مردم در معرض آنها است، مثل غیبت، ریا، آفات زبان، اخلاق پست مردمان و ...

گروه دوم از حکیمان که موافق با عزالت نیستند نیز به اخبار وارده در نهی از عزالت استفاده کرده اند. رسول اکرم (ص) فرموده: «الْمُؤْمِنُ الْإِفُّ وَمَا لَوْفٌ وَلَا خَيْرٌ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ» = مؤمن الفت می گیرد و با او الفت می گیرند و هر که الفت نگیرد و با او الفت نگیرند، خیری در او نیست. وَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ = هر که از جماعت جدا شود به راه و رسم جاهلیت بمیرد، به نظر این حکیمان، فواید آمد و شد با مردم تعلیم و تعلم و کسب اخلاق فاضله از همنشینی با صاحبان آن و استماع مواعظ و نصایح و ... است. از امام صادق (ع) نقل است: کسی که گوشه گیری از خلق اختیار کرد در حصار محکم پروردگار متعال متحصن گردیده و تحت حمایت، حفظ و توجه خداوند محفوظ و نگهداری شده، پس

خوشا به حال کسی که تمام توجه او در ظاهر و باطن به سوی خدا باشد. گوشه گرفتن و انقطاع از مردم محتاج به دارا بودن ده چیز است: ۱) در رفتار و کردار قادر به تشخیص وظایف حق از باطل باشد، ۲) عدم علاقه و محبت به مال و ثروت، ۳) رضایت به سختی و ناگواریهای زندگی، ۴) آمادگی به ترک لذایذ دنیوی و مشتهیات نفسانی، ۵) رضایت از محیط خلوت و گوشه نشینی، ۶) توجه دائم در تأمین عاقبت و آینده، ۷) علیرغم مجاهده و کوشش در عبادات، عبادت خود را بی ارزش و کم انگاشتن، ۸) نداشتن هیچگونه خودبینی و خود پسندی، ۹) اشتغال دائم به ذکر و توجه به خدا [زیرا غفلت موجب تسلط نفوذ شیطان و منشاء هرگونه ابتلا به گرفتاری و سبب محجوبیت و محرومیت از فیض و انوار الهی است]، ۱۰) خالی کردن خانه از آنچه مورد لزوم و ضروری نباشد.

در احادیث و اخبار شیعه تفسیر عزالت به گونه ای عرفانی - اخلاقی مطرح شده و این معنا به دو سبب است: ۱) مفهوم مشترک عزالت در عرفان و اخلاق، ۲) این که عزالت در عمل خود بخود منجر به این معرفت خواهد شد. از قرن سوم و چهارم به بعد در صوفیه - که در واقع اصطلاحات و معارف آنها نظم و گسترش یافت - عزالت به مفهوم یکی از منازل سلوک معرفی شده است. ( «اللمع، رساله تفسیری» )، و با این که صوفیه به آن توجه کرده اند اما تحلیل عزالت بدون بررسی جایگاه اخلاقی آن قابل عمل نیست. دانشمندان علم اخلاق و مشایخ صوفیه در هر دو شعبه (عرفان و اخلاق) عزالت را بررسی کرده اند.

منابع: قرآن؛ ترجمه مصباح الشریعه، مصطفوی، ۱۰۵؛  
جامع السادات، نراقی، ۴۱۷. حسن سید عرب

**عزالتی خلخالی**، ملا ادهم، سده یازدهم هجری، عالم و شاعر ایرانی. از زندگی او جز این دانسته نیست که خطیب بود و به موعظه مردم می پرداخت. از آثارش: *دیوان عزالتی* که به شیوه بوستان سعدی در ده باب نوشته و در پند و اندرز است. نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه شماره ۳۰۱۲ موجود است؛ *هشت بهشت*، *تفسیرنامه* که دیباچه منثور هفت بند حسن کاشی است و در آن از حسن کاشی و سروده او دفاع کرده است. نسخه ای از آن به شماره ۱۰۵۷ در کتابخانه آستان قدس است؛ *رباعین* در ۴۰ فصل که آن را در ۱۰۳۶ق به پایان رسانده است. وی در آغاز هر فصل آیه ای از قرآن مجید آورده و در پی آن سخنانی از پیامبر اکرم (ص) و امامان بر آن افزوده است. نسخه ای از آن به شماره ۱۴۸۱۲ در کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم است؛

29 Haziran 2018

MADDE YAYIMLANDIK  
SUNAN CELEN DOKUM

Dzlet

of the *Ba* Concept in Ancient Egyptian Texts (Chicago, 1968) and Gertie Englund's *Akh: Une notion religieuse dans l'Égypte pharaonique* (Uppsala, 1978). The only comprehensive study of Iranian conceptions is Nathan Söderblom's *La vie future d'après le Mazdéisme* (Paris 1901). It is now somewhat out of date, but is still useful, as is J. D. C. Pavry's *The Zoroastrian Doctrine of a Future Life* (New York, 1926).

Old Testament ideas have been dealt with by Edmund F. Sutcliffe in *The Old Testament and the Future Life* (Westminster, Md., 1947) and by Robert Martin-Achard in *De la mort à la résurrection . . . dans . . . l'Ancien Testament* (Neuchâtel, 1956). For further discussion, see Harris Birkeland's "The Belief in the Resurrection of the Dead in the Old Testament," *Studia Theologica* 3 (1950): 60-78, and my book *Israelite Religion* (Philadelphia, 1975), pp. 239-247. Among studies dealing with later Jewish and Christian ideas, see R. H. Charles's *A Critical History of the Doctrine of a Future Life in Israel, in Judaism, and in Christianity* (1899; reprint, New York, 1979) and Pierre Grelot's *De la mort à la vie éternelle* (Paris, 1971). For Judaism, see also H. C. C. Cavallin's *Life after Death*, vol. 1, part 1, *An Inquiry into the Jewish Background* (Lund, 1974), a comprehensive study of all relevant texts, and George W. E. Nickelsburg's *Resurrection, Immortality, and Eternal Life in InterTestamental Judaism* (Cambridge, Mass., 1972).

Of the literature on the New Testament only a few books can be mentioned: Murdoch E. Dahl's *The Resurrection of the Body: A Study of 1 Corinthians 15* (London, 1962); *Immortality and Resurrection*, 2d ed., edited by Pierre Benoît and Roland E. Murphy (New York, 1970); Robert C. Tennenhill's *Dying and Rising with Christ* (Berlin, 1967); and Geerhardus Vos's *The Pauline Eschatology* (Grand Rapids, Mich., 1961). Works in German are Oscar Cullman's *Unsterblichkeit der Seele und Auferstehung der Toten* (Stuttgart, 1963), Paul Hoffmann's *Die Toten in Christus: Ein religionsgeschichtliche und exegetische Untersuchung zur paulinischen Eschatologie* (Münster, 1978), and Günter Kegel's *Auferstehung Jesu, Auferstehung der Toten* (Gütersloh, 1970).

On resurrection in Christian theology, see Paul Althaus's *Die letzten Dinge* (1922; Gütersloh, 1956), Walter Künneth's *Theologie der Auferstehung* (1934; Giessen, 1982), and Klaus Kienzler's *Logik der Auferstehung* (Freiburg im Breisgau, 1976), a study of the theologians Rudolf Bultmann, Gerhard Ebeling, and Wolfhart Pannenberg.

For a broad discussion of dying and rising gods, see James G. Frazer's *The Golden Bough*, 3d. ed., rev. & enl., vol. 4, *The Dying God* (1912; London, 1955). On Dumuzi, see Thorkild Jacobsen's *The Treasures of Darkness: A History of Mesopotamian Religion* (New Haven, 1976); pp. 25-73. On Baal, see Arvid S. Kapelrud's *Ba'al in the Ras Shamra Texts* (Copenhagen, 1952); Werner H. Schmidt's "Baals Tod und Auferstehung," *Zeitschrift für Religions- und Geistesgeschichte* 15 (1963): 1-13; and Michael David Coogan's *Stories from Ancient Canaan* (Philadelphia, 1978). On Osiris, see E. A. Wallis Budge's *Osiris and the Egyptian Resurrection*, 2 vols. (1911; New York, 1973), and J. Gwyn Griffith's *The Origin of Osiris and His Cult*, 2d ed., rev. & enl. (Leiden, 1980), may be profitably consulted.

HELMER RINGGREN

**RETREAT** may be defined as a limited period of isolation during which an individual, either alone or as part of a small group, withdraws from the regular routine of daily life, generally for religious reasons. Retreats are one of the commoner practices in the religious life of nearly all peoples, although they are often restricted to a determinate type or class of persons: those preparing for initiation (e. g., into the adult life of a clan, into a religious group, or into some public office of a religious nature), those undergoing a process of conversion, those in search of a religious vocation, or those seeking a periodic renewal of their spiritual lives. During this period, retreatants interrupt their ordinary routine, break off regular social relationships, and (except for those who already live in monasteries or the like) withdraw into a solitary place or to a special building set apart for such purposes. This isolation, as well as the interruption of social intercourse and ordinary life, is adopted as a condition that enables individual retreatants to enter within themselves in silence, in order to establish contact with the divinity or with the world of the spirits. [See Silence.] Hence, retreats often involve the use of various ascetical means, such as fasting, abstinence, prayer, meditation, and techniques aimed at inducing a revelatory dream, trance, or ecstasy.

Various forms of retreat may be distinguished, and participants may engage in retreats with varying frequency. A retreat accompanying a radical conversion of life or the discernment of a vocation may be a rare or even unique event in an individual's life; whereas that aimed at personal spiritual renewal might be repeated periodically. Retreats of initiation may follow quite diverse procedures, depending on the kind of initiation involved. Thus, one may distinguish retreats of tribal initiation; retreats of search for a revelatory dream; retreats of shamanistic or monastic initiation; and retreats of conversion, discernment, and renewal.

**Retreats of Tribal Initiation.** In generic and somewhat abstract terms (since in reality quite different forms of ritual may be involved), initiation into the life of a tribe entails separating candidates from the social nucleus to which they belong as children, especially from their mother, and isolating them in a well-defined zone, protected by rigid taboos. [See Initiation.] There they are placed under the direction of elders chosen by the tribe. The neophytes are then subjected to certain strict disciplines (fasting, abstinence, and various taboos), are instructed by the elders in certain traditional truths and beliefs (social and sexual ethics, myths and rituals, techniques of hunting, fishing, or farming), and are forced to undergo certain more or less painful tests. At the end of this period of initiation, after passing

*Encyclopedia of Religion, vol. 12, pp. 350-355, 1987, New York.*

10 MAYIS 2002

الجزء

## عُزلة:

١ - تعريف: العزلة هي اجتناب مخالطة الناس.

٢ - حكمها:

أ - يحرم اعتزال العالم الناس: إن كان في اعتزاله حرمان الناس من سماع كلمة الخير التي يتعطشون إليها، إن غلب على ظنه استجابة الناس إليها، كالدعوة إلى الله، وتعليم العلم، وتقويم السلوك، ونحو ذلك.

ب - ويجب عليه اعتزال الكفار والفساق الذين يغلب على ظنه عدم استجابتهم لدعوة الخير، فهذا إبراهيم عليه السلام لما دعا أباه إلى الإسلام، فلم يجبه، ويثس من إجابته، اعتزل أباه وقومه، كما قال تعالى في سورة مريم/٤٨ ﴿وَأَعْتَزَلَكَمَّ وَمَا تَدْعُونَكَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾.

ج - ويستحب اعتزال الفتن التي لا دور له فيها في الإصلاح، وفيها يقول عليه الصلاة والسلام (أمسك عليك لسانك، وليسعك بيتك، وأبك على خطيبتك)<sup>(١)</sup>.

د - وتجوز العزلة غير الدائمة عن الناس بهدف دراسة العلم، أو تهذيب النفس بالعبادة والتأمل في آلاء الله، كما هو الحال في الاعتكاف، ونحو ذلك.

هـ - اعتزال زوجته عندما تكون حائضاً أو نفساء (ر: حيض/٥٦هـ).

(١) الترمذي في الزهد باب حفظ اللسان.

1986 10 13 82

UJLEI

﴿ المَرْزَلَةُ ﴾

• مَنَزَلَةُ المَرْزَلَةِ مِنَ الجِهَادِ

مس - ك ٢٣ ح ١٢٢ - ١٢٧

تر - ك ٢٠ ب ١٧ و ١٨

مج - ك ٣٦ ب ١٣

ح - ك ١٦ ب ٦ و ٧

حم - نان ص ٥٢٤ ؛ نالك ص ٢٧

و ٢٦٦ ؛ خامس ص ٢٦٦

• زِيَادُ بنِ حُدَيْرٍ وَ تَشْيِيقُ المَرْزَلَةِ

حم - نان ص ٣٠١

• مَنَ مَحَايِطِ النَّاسِ وَيَضِيرُ عَلَيَّ

أَذَاهُمْ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنْ لَا يَحَايِطُهُمْ

حم - نان ص ٤٣

ط - ح ١٢٠٩

• أَفْضَلُ النَّاسِ لَدَيَّ وَ قُوعِ

الْفِتْنَةِ مُؤْمِنٌ مُتَدَلِّقٌ فِي شَيْبِ

مِنَ الشَّمَابِ -

حم - نالك ص ٤٧٧

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KUNUZU'S-SUNNE.

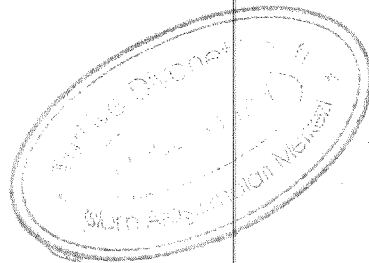
Trc: ABDÛLBAKÏ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 431

DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مي = سنن الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هس = سيرة ابن هشام، قد = مغازي الواقدي

- Chapel Hill, 1942, loi n° 5, p. 41. Girard (*op. cit.*, p. 46) écrit également à propos des Psaumes: «Comment procéder pour dégager le sens d'une construction concentrique? Contrairement au cas de la construction chiasmatique, nous nous sommes aperçu qu'ici, c'était la pointe (ou centre, ou pivot) qui portait l'idée dominante, alors que l'idée sous-dominante se trouve dans la dyade extérieure A...A.»
84. Cf. Meynet, *L'Analyse rhétorique*, p. 147.
85. XXXII, p. 109.
86. p. 2025.
87. Meynet, *l'Évangile selon saint Luc*, p. 257.
88. Voir ci-dessus, note 84.
89. À paraître dans la revue *Luqmān*, Annales des Presses Universitaires d'Iran, Téhéran.
90. Mais on verra qu'en dehors de la thématique, les autres indices rhétoriques orientent la séquence S. 99-104 vers une structure ABC / A'B'C'.
91. *Ibid.*, p. 117. Le *tafsīr al-Wasīf* (p. 2030) reprend à son compte cette mise en regard des 2 sourates, par Rāzī. On la retrouve également dans Suyūfī, *al-Itqān*, III, p. 332.
92. Rāzī, XXXII, p. 189.



## ÉTUDE SUR L'ORIGINE ET LE SENS DU MOT 'UZLA DANS LA LITTÉRATURE ASCÉTIQUE ET MYSTIQUE

par

Josef DREHER, o.p.

«L'isolement (*al-'uzla*) les a voilés parmi les hommes»  
Ibn Qasī

À l'occasion des "I Jornadas de Silves" tenues les 3 et 4 septembre 1992, le professeur Adel Sidarous, de l'université d'Evora, a donné dans cette paisible ville de campagne en Algarve une conférence sur le célèbre mystique andalou Ibn Qasī, l'un des plus importants fils de Shilb (le Silves d'aujourd'hui). Il regrette que le *Kitāb khal' al-na'layn* ("Quitter ses sandales") soit resté largement *terra incognita* jusqu'à présent: le langage ésotérique de cette œuvre la rend difficilement accessible pour une bonne compréhension des idées du maître soufi et nous ne sommes pas encore en mesure d'en faire une traduction et un commentaire corrects, ce qui serait pourtant souhaitable.

Après avoir longtemps travaillé sur le texte du *Kitāb khal' al-na'layn*, je suis convaincu que ce souhait ne sera réalisable que lorsqu'aura été fait un établissement critique du texte, fondé sur tous les manuscrits recensés, après le dépouillement — par des recherches ponctuelles — des idées principales développées dans l'ouvrage, car une connaissance préalable précise du contenu serait d'une aide énorme pour l'éditeur qui sera souvent confronté à des manuscrits de lecture difficile et sans point diacritique<sup>2</sup>. L'édition de Goodrich, faite dans le cadre d'une thèse de doctorat à l'Université de Columbia, pourrait servir de base de travail. Les pages qui suivent doivent être considérées comme une modeste avancée vers une meilleure compréhension de la doctrine d'Ibn Qasī sur un point particulier: elles se fixent comme but d'enquêter sur les origines de la notion de *'uzla* (isolement) et sur quelques-unes des

سلسلة وسائل الغرباء  
( ٤ )

# العُرلة والخُلطة

## أحكام وأحوال

تأليف  
سلمان بن فهد العوذة

عند عليه وفقه له سماحة الشيخ

عبد العزيز بن عبد الله بن باز

حفظه الله تعالى

الرئيس العام لإدارات البحوث العلمية  
وإفتاء والدعوة والإرشاد

المحرر ١٤١٣ هـ

Türkiye Diyanet Vakfı  
İslâm Araştırmaları Merkezi  
Kütüphanesi

Dem. No: 90373

Tas. No: 297.4

UVD. U

جميع الحقوق محفوظة  
الطبعة الأولى  
١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م

**مفهوم العزلة  
عند الإمام الخطابي**

الدكتور / أحمد بن عبدالله الباتلي  
قسم السنة وعلومها - كلية أصول الدين  
جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية

17 EYLÜL 1998

Mecellelu Camiatil-Imam Muhammed b.  
Suudil-Islamiyye, aded: 18 (1417/1997)  
Riyad, s. 125-172. D. 1528







Uzlet

Nesri'l-mekāsm, s. 240-245

29A.72  
YAF.W

الأمر بالعزلة في آخر الزمان  
 تأليف محمد بن إبراهيم الوزير المرتضى (ت ٨٤٠ هـ)؛ تحقيق  
 إبراهيم باجس عبد المجيد.. الرياض: دار ابن القيم؛ عمان: المكتبة  
 الإسلامية، ١٤١٣ هـ، ١٩٣ ص.. (رسائل الإمام ابن الوزير؛ ١)  
 — Ibn al-Wazir 'Abu Abdullah  
 — Uzlet

25 EKIM 1998

-UZLET  
 031045 IBNU'VEZIR EBU MUHAMMAD 92-965168  
 Ibn al-Wazir, Muhammad ibn Ibrāhīm, 1373  
 or 4-1436.  
 (Asr bi-al-'uzlah fi ākhir al-zamān)  
 الأمر بالعزلة في آخر الزمان / تأليف  
 محمد بن إبراهيم الوزير؛ تحقيق إبراهيم  
 باجس عبد المجيد.. -- الطبعة ١. --  
 الدمام: دار ابن القيم؛ عمان:  
 المكتبة الإسلامية، [1992 or 1991] 1412.  
 193 p. : ill. ; 24 cm. --  
 (رسائل الإمام ابن الوزير؛ ١)  
 Includes bibliographical  
 references (p. 183-190) and index.  
 13 riyals  
 AP-Islam.

17 NOAN 1995

Uzlet

en Riyāḥ 556-558

297.72  
MUH.R

22 OCAK 1999

uzle, SI, 275, 248, 15

Uzlet

-العزلة وقبول البشرى بالتيسير باليسرى  
 محمد بن إبراهيم بن الوزير (ت ٨٤٠ هـ)؛ تحقيق قسم التحقيق  
 بدار الصحابة.. طنطا: الدار، ١٤١٢ هـ، ١٠٢ ص  
 — Uzlet  
 — Ibn al-Wazir 'Abu Abdullah

25 EKIM 1998

189 DREHER, J. Etude sur l'origine et le sens du mot 'uzla  
 dans la littérature ascétique et mystique. Institut  
 Dominicain d'Etudes Orientales du Caire: Mélanges  
 (MIDEO). 35 (1997) pp.197-238

Uzlet

22 NISAN 2000

٢٥٩٩ هـ العزلة  
 أبو سليمان حمد بن محمد الخطابي (ت ٣٨٨ هـ)؛ خرّج أحاديثه  
 عبد الغفار سليمان البنداري.. بيروت: دار الكتب العلمية؛ مكة  
 المكرمة: توزيع دار الباز، ١٤٠ هـ، ١٢٠ ص

25 EKIM 1998

20 EKIM 1999

٢٣٨٢ UZLET  
 خوانساری، احمد. "عزلة عازفان". خیرجنوب (١٩ تبان ١٣٦٥): ص ٢٠١.  
 (٢٠ تبان ١٣٦٥): ص ٨٠١. (٢١ تبان ١٣٦٥): ص ٢٠١.

88-960274  
 Khattābī, Hamd ibn Muhammad, 931-996.  
 ('Uzlah)

العزلة / لأبي سليمان حمد بن محمد  
 الخطابي البستي؛ تحقيق عادل عبد  
 الموجود؛ مراجعة محمود الزناري. - عابد بن  
 القاهرة: مكتبة الزهراء، 1987.

134 p. ; 24 cm.  
 Title page partially vocalized.  
 Includes indexes.  
 Bibliography: p. 133-134,  
 181, 50  
 1. Asceticism. 2. Sufism.  
 Egy-Islam.

-Khattābī  
-UZLET

21 OCAK 1992

Khayyāt, 'Abd al-'Azīz  
 search under  
 Khayyāt, 'Abd al-'Azīz 'Izzat, 1923-

"UZLET"

750

el-Ayni, "Umdetü'l-Karî---", c. XIX, s. 40-41

uzlet

Tasavvuf

Muhammad al-Buhārî Hüseynî  
Nispetiye, 663.668

2344 ASIN PALACIOS, M. De la vida monástica en el Islam. Rev. occidentale 30 (1930), pp. 102-116

İNZIVA

11 ARALIK 1992

uzlet \*

Ahmedü Bamba

MADE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

42140  
İbn Arabî öncesi tasavvufta halvet ve uzlet. TOSUN, Neadet. Yüksek Lisans. Marmara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul, 1995. 130 s., 209 ref.  
Danışman: Doç. Dr. H. Kamil Yılmaz. Dili: Tr.  
İbn Arabî - Önceki: 090765  
Uzlet - 081310  
Uzlet - 200704

22 Haziran 2015

"UZLET"

el-Muslihinü'l-Miṣrî, c. 18, sy 35, s. 117 vd.

العزلة والإنفراد لابن أبي الدنيا / محمد الهادي الشواشي ؛ إشراف د. تيجاني بوريقة . - تونس : المعهد الأعلى للحضارة الإسلامية ، 1991 . - 293 ص . : 28 سم .  
د.م.ث : دراسات إسلامية : تونس : المعهد الأعلى للحضارة الإسلامية : 1991  
- İbn Arabî - Donya -  
- Uzlet

Uzlet

er-Riye, 5373-381

297-72  
uzlet

# الآداب الشرعية

والمِنَحِ المرعيَّة

(467-473) 4/3

تأليف  
شمس الدين أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي  
تممه الله برحمته وأسكنه فسيح جناته

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kitap No. :	10148-3
Kitap No. :	297.8 Müf. A

الجزء الثالث

الناشر

مؤسسة قرطبة

ت ٨٦٢١٥١ - القاهرة

فصل

( في المفاضلة بين العزلة والمخالطة )

واختلف الناس في الأفضل من الخلطة والعزلة على مذهبين وعن الإمام أحمد رحمه الله عنه في ذلك روايتان قال في رواية أبي الصقر وقد سأله عنها إذا كانت الفتنة فلا بأس أن يعتزلها الرجل حيث شاء فأما ما لم يكن فتنة فالأمصار خير .

قال أحمد ثنا حجاج ثنا شعبة عن الأعمش عن يحيى بن وثاب عن شيخ من أصحاب النبي ﷺ - قال الأعمش هو ابن عمر - عن النبي ﷺ قال « المؤمن الذي يخالط الناس ويصبر على أذاهم خير من المؤمن الذي لا يخالطهم ولا يصبر على أذاهم » كلهم ثقات رواه الترمذي عن ابن المثنى عن ابن أبي عدي عن شعبة وقال قال ابن أبي عدي كان شعبة يرى أنه ابن عمر ، وقال الحسن بن محمد بن الحارث قلت لأبي عبد الله: التخلي أعجب إليك؟ فقال التخلي على علم وقال يروى عن النبي ﷺ أنه قال « الذي يخالط الناس ويصبر على أذاهم » ثم قال أبو عبد الله رواية شعبة عن الأعمش ثم قال من يصبر على أذاهم؟ وقال إسحاق بن إبراهيم في الأدب من مسأله عن أحمد قال : قال أبو سنان وجاءه رجلا فقال تفرقا فإنكما إذا كنتما جميعاً تحدثتما وإذا كنتما وحدانا ذكرتما الله تعالى قال أبو عبد الله رواه وكيع عن أبي سنان .

قال القاضي أبو الحسين إنه نقل من الجزء الثالث من الأدب تأليف المروزي قال قال أبو عبد الله أحمد بن حنبل كفى بالعزلة علما وإنما الفقيه الذي يخشى الله . وهي لإختيار أبي عبد الله بن بطة وقال أبو الفرج بن الجوزي وقد كان أكثر السلف يؤثرون العزلة على الخلطة ، وقال أيضا إن من قدر على نفع الناس بماله أو بدنه لقضاء حوائجهم مع القيام بمداود الشرع إنه

أبا محمد عبد الرحمن بن أبي شريح الأنصاري قال كنت أقرأ على أبي القاسم البغوي ببغداد فلما كان في بعض الأيام وكنت أقرأ عليه جزءا وقد وضع رأسه بين ركبتيه فرفع رأسه وقال كأنني بهم إذا مت يقولون مات البغوي ولا يقولون مات جبل العلم ، ثم وضع رأسه بين ركبتيه واستند فلما فرغت من قراءة الجزء قلت كم قرأت عليك؟ فلم يجبني فحركته فإذا به قد مات رحمه الله .

# ECONOMIC SECURITY IN ISLAM

By

ALLAMA YŪSUF AL-QARDĀWĪ

*Rendered into English by*

MUHAMMAD IQBĀL SIDDIQI

★ BOOKS ALL SORTS :  
Exported & Produced By :—  
MALIK SIRAJUDDIN & SONS  
Kashmiri Bazar, Lahore (8) Pakistan  
Phones : (042) 52169—853431—311498

KAZI PUBLICATIONS

121 - Zulqarnain Chambers,  
Ganpat Road, Lahore (Pakistan)

God says :

“And when the Prayer is ended, then disperse in the land and seek of Allāh’s bounty.”  
(62 : 10)

It is reported that Ḥaḍrat ‘Umar (Allāh be pleased with him) saw some people sitting in the mosque, after they had performed Prayers, to wait for their provisions relying upon the invisible forces of God to provide them. He flogged them and said, “Should a person evade from endeavours and say : O’ God ! Give me sustenance ?” Although he knows that gold and silver never pours down like rain from the sky. God says : And when the Prayer is ended, then disperse in the land and seek of Allāh’s bounty.

(b) Seclusion : Some people do not work at all on the ground that they have taken to the worship of Allāh and have adopted seclusion. They say that God has said in the Holy Qur’ān, “I have created jinns and men for worshipping me.” Man has been persuaded in this Verse to become recluse and leave the worldly affairs. It is not lawful for these people to do anything except worship of Allāh.

Such people are quite ignorant of the teachings of the Holy Prophet (peace and blessings of Allāh be upon him) who said, “Any work performed with good intentions, in accordance with the injunctions of Islam, it turns into worship itself.” So, for man